

بررسی چرخه مربیان لیگ برتر در ۵ سال اخیر

تقریبا همان همیشگی



نیلوفر مژدهی
خبرنگار

هم بدنیست و مربیانی هم هر ساله وارد این چرخه مربیگری شده و حتی می‌توانیم ادعا کنیم جامعه مربیان لیگ برتر در حال پوست انداختن است. با بررسی نام‌های حاضر در لیگ آینده متوجه می‌شویم چرخه همیشگی در سال‌های اخیر به قوت خود باقی است و تقریبا به جز سعید دقیقی و مربی یونانی گل‌گهر، دیگران بقایای نسل اخیر مربیان هستند.

اعتماد، کلید واژه موفقیت

آنچه در لیگ ایران بیش از پیش خودنمایی می‌کند عدم ثبات است. در برخی تیم‌ها با تغییرات چشم‌گیر روبه‌رو هستیم هر چند در برخی دیگر هم ثبات خوبی را می‌بینیم. با این حال لیگ برتر با ورود و خروج برخی تیم‌ها در هر دوره تغییرات زیادی روی نیمکت خود دیده است. بارها و بارها این نیمکت‌ها دستخوش تغییر شدند اما برخی مربیان در این چرخه ثابت هستند و هر فصل فقط تیم عوض می‌کنند. جالب اینکه این مربیان عموما دستاوردی هم نداشته‌اند اما در کمال ناباوری هر سال در لیگ برتر مشتری دارند و بازاری که برای خود راه انداخته‌اند حداقل پای مذاکره با سه چهار تیم لیگ برتری می‌نشینند و در نهایت یکی را انتخاب می‌کنند. در لیگ امسال مدیران دو تیم تازه صعود کرده تصمیم گرفتند مربیان فصل قبل خود در لیگ یک را در لیگ برتر حفظ کنند. از این رو سعید دقیقی هدایت شمس آذر را همچنان برعهده دارد و پورموسوی نیز با استقلال خوزستان ادامه می‌دهد. این روند مدتی است باب شده و فصل قبل هم تیم مس کرمان با همین شیوه تا پایان فصل به پای فرزند حسین خانی ماند و در نهایت با همان مربی سقوط کرد. ملوان دیگر تیم تازه‌وارد فصل قبل نیز همین روبه‌را در پیش گرفت و با مازیار زارع ادامه داد.

خارجی‌های فرصت‌سوز

در فصل جدید ما شاهد حضور چند مربی خارجی در لیگ برتر هستیم. مارینوس اوزونیدوس برای گل‌گهر، خمز برای

تراکتور و مورایس با سپاهان ۳ مربی خارجی این فصل هستند. در واقع گل‌گهری‌ها با جذب مربی یونانی لیگ را صاحب ۳ مربی خارجی کردند. تاریخ می‌گوید در ۵ فصل اخیر لیگ برتر شاهد حضور ۱۶ مربی خارجی در ایران بودیم که البته همه هم موفق نبودند. در کل به جز چهار، پنج تیم لیگ برتری دیگر تیم‌ها علاقه چندانی به استفاده از مربی خارجی ندارند.

در اصل این رکورد عاده را تیم تراکتور قوت بخشید. این تیم که در ۵ سال اخیر ۱۱ تغییر به خود دیده است با ۶ مربی خارجی کار کرد در حالی که همه آنها به کشورشان برگشته و عملکرد و البته قیمت‌شان به شکلی نبود که شرایط ادامه فعالیت در ایران را داشته باشند. تنها خمز از این جمع دوام آورد که او هم با این حواشی در حال دورشدن از این تراکتور است. به نوعی می‌توان این حضور را فرصت‌سوزی دانست چرا که این زمانی که صرف مربیان خارجی شد و نتیجه نداد می‌توانست صرف حضور مربیان جوان ایرانی باشد که دست کم تجربه کسب کنند.

مربیان ثابت لیگ

لیگ ایران در ۵ فصل اخیر یعنی از فصل ۱۳۹۸-۱۳۹۷ تاکنون ۴۶ مربی به خود دیده است که بسیاری از این مربیان در طول این ۵ فصل به شکل چرخشی بین تیم‌های لیگ برتری جابه‌جا شدند. آمار می‌گوید با تغییرات رخ داده در نیمکت مربیان لیگ برتر با توجه به حضور ۱۶ تیم در این ۵ سال حداقل هر مربی فرصت حضور در ۱۴ تیم لیگ برتری را داشته است. اما نکته مهم این است که این مربیان در لیگ ثابت بوده و با وجود گذشت این ۵ سال و حذف بسیاری از مربیان برخی از آنها همیشه پای ثابت لیگ برتر هستند. البته بودن مربیانی همچون فرهاد مجیدی یا حامد مطهری و برخی نام‌های دیگر که مدتی کوتاه در لیگ برتر حضور داشتند اما ۱۳ مربی همواره پای ثابت تیم‌های لیگ برتر ایران هستند.

فوتبال ایران

امین راستی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: باید به این فکر کنیم که هر دوره مثل آب خوردن به جام جهانی برویم

تیم‌های ملی رده‌های پایه گلخانه‌ای اداره می‌شوند



محمدرضا حاجی عبدالرزاق

خبرنگار گروه ورزش

امین راستی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» بعد از صعود تیم ملی نوجوانان به جام جهانی زیر ۱۷ سال جهان اظهار داشت: «به کادرفنی و بازیکنان این تیم دوره‌هله اول تریک می‌گویم. از نزدیک شاهد بودم که آنها چقدر برای این تیم زحمت کشیدند. البته قبل از هر چیزی یک دست‌میزاد به آقای ماجدی می‌گویم که برای تیم‌های رده‌های سنی هم تیم ملی جوانان و هم نوجوانان هرکاری از دست‌شان برمی‌آید انجام دادند و من به‌عنوان مربی تیم ملی جوانان می‌توانم به این امر شهادت بدهم. درست است که یک سری کاستی‌هایی هم وجود داشت که البته این موضوع همیشه در تیم‌های پایه وجود داشته و فدراسیون همیشه دچار این مشکلات بوده است.»

وی ادامه داد: «قبل از بحث درباره تیم ملی نوجوانان و حضور موفق این تیم در رقابت‌های قهرمانی آسیا باید تاکید کنم که برای حل مشکلات و معضلات تیم‌های ملی رده‌های سنی باید قانون اسپانسرینگ در این تیم‌ها را تغییر دهند تا تیم‌های ملی جوانان و نوجوانان بتوانند برای خودشان جداگانه اسپانسر بگیرند. اگر نتوانند این کار را انجام بدهند همیشه این مشکلات وجود خواهد داشت اما با تمامی این مشکلات من از نزدیک شاهد بودم که آقای ماجدی با مدیریت بسیار خوب توانستند در این یک سال گذشته هر آنچه که از دست‌شان برمی‌آید برای این تیم‌ها انجام دادند. حالا متأسفانه همیشه تیم ملی جوانان طی یک اشتباه در دقیقه ۹۲ جام جهانی را از دست داد اما در تیم ملی نوجوانان زحمات آقای عبدی و کادرش و بازیکن مستعدی که در اختیار دارند نتیجه داده و این تیم به جام جهانی صعود کرد.»

مربی تیم ملی جوانان ایران درباره اینکه به نظر می‌رسد سقف آرزوها در فوتبال ایران به صعود به جام جهانی ختم می‌شود، تاکید کرد: «اگر ما به دنبال این هستیم که در جام جهانی در تمامی رده‌های سنی از نوجوانان گرفته تا ده بزرگسالان نتیجه بگیریم به نظر من نباید دید خود را روی بحث ملی محدود کنیم که تیم‌ها باید چه کار کنند. این در حالی است که مشکلات مادر رده‌های پایه در باشگاه‌هاست. آنجا باید حل کنیم که توقع داشته باشیم که در جام جهانی هم جزء تیم‌های قدرتمند باشیم.» امین راستی یادآور شد: «همین تیم کره جنوبی با وجود اینکه صعودش قطعی نشده بود و در صورت شکست از ایران باید با تیم اول گروه دیگر بازی می‌کرد، در بازی با ایران از چهار پنج بازیکن اصلی خود استفاده نکرد. یعنی آنها با برنامه وارد چنین تورنمنت‌هایی می‌شوند و این نشان می‌دهد آنها برنامه بلندمدت دارند. آنها روی تیم‌های پایه خود فکر می‌کنند و کار می‌کنند و بعد نتیجه می‌گیرند اما ۲۰ سال است می‌گویم، و از این آسیب‌ها همه کارشناسان صحبت می‌کنند اما هیچ تغییری را شاهد نیستیم چون داریم تیم‌های پایه را گلخانه‌ای مدیریت می‌کنیم. یک تیم ملی می‌آید و با ۲ تا استعداد بیه‌صورت تصادفی نتیجه می‌گیرد اما برای یک تیم دیگر این اتفاق نمی‌افتد. اینها همه نتایج کوتاه‌مدتی هستند که بستگی به شرایط کادر و بازیکنان دارد.» مربی تیم ملی جوانان تاکید کرد: «در واقع هیچ وقت به این موضوع فکر نکردیم که همه تیم‌های ملی ما هر دوره باید به سادگی به جام جهانی بروند و آنجا هم باید نتیجه بگیریم و اتفاقا از آنجا به فکر ترانسفر بازیکنان ما باشیم. هیچ وقت به این مسائل فکر نکردیم چون در تیم‌های پایه به خصوص در پایتخت در چند سال گذشته هیات فوتبال استان تهران اصلا خوب کار نکرده است. به نظر می‌رسد در فوتبال پایه بیشتر بحث کاسبی مطرح بوده تا اینکه رشد و پیشرفت بازیکن مدنظر قرار بگیرد.»

گفت‌وگو

سارا عبدالملکی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: بزرگ‌ترین پاداشی که به من دادند همان کتری و قوری بود

بین فوتبال و دیگر ورزش‌ها نباید تبعیض باشد

خواب و فکر منافع خودشان هستند. سوال من این است. شما مگر مسئول ما نیستی؟ وقتی اصلا ما را نمی‌شناسی، دقیقا چه کار می‌کنی؟ البته فدراسیون پاراقایرانی خیلی به من کمک کرد و هیچ فرقی بین ما و دیگر ورزشکاران نگذاشت ولی مسئولان هیچ. شورای شهر هم کاری کرد که بیشتر توهین بود. وقتی کتری و قوری را دیدم به مادرم گفتم دارند با من شوخی می‌کنند؟ واقعا نمی‌دانم چه منظوری داشتند! بعد به من گفتند برو کتری و قوری ات را عوض کن ولی هم قیمت این بردار! شما تمام زحمات مرا زیرسوال بردید. آنقدر عصبانی شدم که گفتم دیگر ورزش نمی‌کنم. من از دیدگاه خودم هنوز مبتدی هستم و هرگز خودم را دست بالا نمی‌بینم ولی احترام و قدرشناسی خواسته زیادی نیست.

الان مسابقات پیش روی شما چیست؟

مسابقات جهانی آلمان که انتخابی پارالمپیک است ولی شرایط اعزام هنوز مشخص نیست و مسابقات پارآسیایی که همراه برگزار می‌شود و سهمیه آن را گرفتیم.

شما بی‌مهری‌های زیادی دیدید. با این وضعیت هنوز هدف بزرگ قبلی را در ذهن دارید؟

صد درصد. هدف من هرگز تغییر نخواهد کرد. سال‌ها قبل هم گفتم بودم که هدف من پارالمپیک است و به محض گرفتن مدال پارالمپیک با ورزش حرفه‌ای خداحافظی می‌کنم. فکر می‌کنم هر ورزشکار دیگری هم آرزوی جز این ندارد. وقتی کسی به مدال پارالمپیک می‌رسد یعنی تا آخر ماجرای ورزش را دیده است.



ورزشکاری احترام است اما در ماجرای تقدیر شورای شهر، به من واقعا توهین شد و من مدت‌ها حالم بد بود تا اینکه آن پست را به اشتراک گذاشتم. شاید آنها هم قصدشان توهین نبود ولی واقعا در جایگاه درستی نیستند. رئیس تربیت بدنی استان البرز یک رنگ به من نزد. من به‌عنوان تنها قایقران ملی پوش استان البرز، هیات قایقرانی استان را نمی‌شناسم، حمایت هیچ کس را هم نداشتم و فقط به پشتوانه خودم و خانواده جلورفتم و متأسفانه مسئولان در

برای درخشیدن و مدال آوردن باید از بسیاری لذت‌ها، تفریح، مسافرت و... بگذری ولی متأسفانه یک ورزشکار بابت زحماتی که می‌کشد، نه تنها احترام نمی‌بیند، بلکه هیچ بهایی هم به او داده نمی‌شود. همه‌جا دنیا بین فوتبال و دیگر رشته‌ها فرق هست ولی تبعیض نیست. ما همه ورزشکاریم و باید دیده شویم و احترام ببینیم. اگر آنها ورزش می‌کنند، ما هم ورزش می‌کنیم ولی حقوق یک‌سال ما اندازه پول یک مکمل هم نیست. حداقل انتظار هر

است، با خودم گفتم شاید می‌خواهند با من شوخی کنند، اما وقتی کارتن را باز کردم، دیدم واقعا قوری و کتری است!

و البته در مصاحبه‌هایشان هیچ اثری از بشمائی هم نبود.

اتفاقا می‌خواستند کارشان را توجیه هم بکنند. گفته بودند ما لطف کردیم و دست خالی به خانه قهرمانمان نرفتیم. جالب است بدانید شورای شهر به ووشوکاران ما نمکدان کادو داد و به بعضی دیگر از ورزشکاران هم استکان و دیس دادند!

شما سال‌هاست در ورزش ایران فعالیت می‌کنید. بزرگ‌ترین پاداشی را که در تمام این سال‌ها به شما دادند به یاد دارید؟

من تا به حال برای ورزشم هیچ پاداشی دریافت نکرده‌ام. بزرگ‌ترین پاداشی که به من دادند همان کتری و قوری بود و آنقدر پاداش بزرگی بود که تا مدت‌ها در ذهن خودم و همه مردم می‌ماند!

اگر به عقب برگردید، دوباره مساله کتری و قوری را رسانه‌ای می‌کنید؟

حتما، دیدن احترام حق ما ورزشکاران است و نباید از حق گذشت؛ چه من باشم و چه دیگر دوستان و ورزشکاران این کشور که همه برای این سرزمین و بالا بودن پرچمش می‌جنگیم.

این روزها بحث حواله خودروهایی لوکس به بازیکنان فوتبال بسیار مطرح است، نظری در این باره نداری؟

ورزشکار بودن در هر رشته‌ای کار بسیار سختی است.

یگانه عساری

خبرنگار

سارا عبدالملکی را احتمالا از روزهای درخشش در راگبی به خاطر دارید و حالا او یکی از مطرح‌ترین دختران پاراقایرانی ایران است. آخرین مدال‌ش را اردیبهشت امسال در مسابقات آب‌های آرام بخش پاراکانو آسیا گرفت و پس از آن مدال اتفاقی افتاد که خبرساز شد. مسئولان شورای شهر در اتفاقی عجیب و باورنکردنی با حضور در منزل او یک دست کتری و قوری به پاس مدال‌ها و افتخار آفرینی‌هایش به او هدیه دادند و جنجالی عجیب در رسانه‌ها به وجود آمد. اما این روزها که بحث حواله خودروهایی گرانقیمت بازیکنان فوتبال به سبب حضورشان در جام جهانی داغ است، گفت‌وگو با سارا عبدالملکی شاید مسائلی را که باید به یاد مسئولان بیآورد. قهرمانی که با تمام بی‌مهری‌ها کماکان برای هدف اصلی‌اش یعنی گرفتن مدال پارالمپیک می‌جنگد.

۱۱۱

شما اردیبهشت‌ماه یک مدال ارزشمند گرفتید. درباره آن توضیح می‌دهید؟

بله، مسابقات در سمرقند ازبکستان بود و من مدال نقره مسابقات را گرفتم. این اولین مدالی بود که در بخش KL1 برای ایران ثبت شد که من آن را به دست آوردم.

پس از آن اتفاقی برای شما افتاد که بسیار تلخ بود و شما آن را در شبکه اجتماعی خود بازگو کردید.

بله، مسئولان شورای شهر با خودشان هدیه‌ای آوردند و آن را کادو هم کرده بودند، بعد از رفتن‌شان کادو را باز کردم و دیدم که یک کارتن است که تصویر قوری و کتری روی آن